

علم زبان؛ سال ۶، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

## ارتباط اتخاذ دیدگاه با دوزبانگی و جنسیت

۱- مژگان رشتچی\*، ۲- سمانه طریقت\*\*، ۳- رویا خویی\*\*\*

- ۱- دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران
- ۲- دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران
- ۳- دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶)

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ارتباط اتخاذ دیدگاه با دوزبانگی و نیز مطالعه تفاوت‌های جنسیتی در اتخاذ دیدگاه است. تعداد ۱۰۰ نفر دوزبانه و ۱۰۰ نفر یک‌زبان متناظر (از نظر سن، جنسیت و سطح اجتماعی) به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. تشخیص دوزبانگی یا یک‌زبانگی افراد با استفاده از برگه خودارزیابی زبان صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها، ترجمه فارسی بخش اتخاذ دیدگاه از پرسشنامه شاخص واکنش بین‌فردی (Davis, ۱۹۸۳) شامل سؤالاتی از نوع لیکرت با امتیاز مثبت و منفی مورد استفاده قرار گرفت. برای مقایسه اتخاذ دیدگاه گروه یک‌زبان و گروه دوزبانه و همچنین، برای مقایسه تفاوت‌های جنسیتی در اتخاذ دیدگاه، از دو آزمون تی به صورت جداگانه استفاده شد. نتایج نشان داد که اتخاذ دیدگاه در گروه دوزبانه بالاتر از گروه یک‌زبان و میان زنان بالاتر از مردان است.

**کلیدواژه‌ها:** اتخاذ دیدگاه، برتری افراد دوزبانه، برتری‌های شناختی، تفاوت‌های جنسیتی، دوزبانگی.

---

\* E-mail: m\_rashtchi@iau-tnb.ac.ir (نویسنده مسئول)

\*\* E-mail: tarighat@iau-tnb.ac.ir

\*\*\* E-mail: r\_khoii@iau-tnb.ac.ir

## ۱. مقدمه

دوزبانگی در عرصه بین‌الملل و همچنین در پژوهش روز در حال گسترش است. بر اساس آمارهای کمیسیون اروپا، امروزه ۵۶ درصد از کل جمعیت جهان دوزبانه یا چندزبانه هستند. تنها در ایران، به طور تخمینی، ۳۳/۷ میلیون دوزبانه در سراسر کشور زندگی می‌کنند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۳، ۴۲ درصد از جمعیت کشور دو زبانه گزارش شدند (Hamidi, 2005). در حال حاضر در ایران در مجموع به ۱۴ زبان مختلف صحبت می‌شود (C.I.A. Factbook, 2010) و این درحالی است که زبان رسمی آموزش در مدارس و نیز زبان رسانه‌ای در کانال‌های مختلف صدا و سیمای سراسری، فارسی است. این مسأله موجب شده افرادی که در منزل به زبان‌های دیگری سخن می‌گویند، در برهه‌ای از زندگی با زبان فارسی برخورد کنند و در نهایت، فارسی را افزون بر زبان مادری خود فرا بگیرند. تنوع زبانی در ایران لزوم پژوهش‌های دوزبانه در ایران را نشان می‌دهد.

پژوهش‌های دوزبانگی به‌طور گسترده در دنیا در حال رشد است. تاکنون برتری دوزبانه‌ها نسبت به همتایان یک‌زبانه‌شان در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است (Valian, 2015)؛ برای مثال، برتری عملکرد اجرایی ذهنی افراد دوزبانه (Kovacs & Mehler, 2009)، تمرکز بالاتر (Bialystok, 1999)، و مقاومت بیشتر آن‌ها در مقابل بیماری زوال عقل (Alladi, et al., 2013) در پژوهش‌های پیشین گزارش شده است. همچنین، در پژوهش‌ها به دفعات گزارش شده که افراد دوزبانه سطح اتخاذ دیدگاه بالاتری نسبت به افراد یک‌زبانه دارند (Greenberg, Bellana, & Bialystok, 2013; Hsin & Snow, 2017; Nguyen & Astington, 2014). این میزان در میان زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود

(Kessler, Cao, O'Shea, & Wong, 2014; Van der Graaff, )  
(Branje, De Wied, Van Lier, & Meeus, 2014).

اکثر پژوهش‌های دوزبانگی، خارج از ایران، و بخصوص در کشورهایی مانند کانادا و امریکا، که دو زبان رسمی دارند و یا مهاجرپذیر هستند، انجام می‌شود. با توجه به پیشینه تاریخی ایران و تنوع قومیتی و زبانی مطلوب در این کشور، زمینه مساعدی برای پژوهش‌های دوزبانگی فراهم است، اما بر خلاف انتظار، نویسندگان مقاله حاضر موفق به یافتن پژوهشی با موضوع اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه در ایران نشدند.

پژوهش حاضر بر آن است که ارتباط بین دوزبانگی و اتخاذ دیدگاه را بررسی کند و همچنین درصد است تفاوت میزان اتخاذ دیدگاه در زنان و مردان را بسنجد. بر این اساس، پرسش‌های پژوهش به صورت زیر مطرح شدند:

۱- آیا تفاوتی در میزان اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه و یک‌زبانه وجود دارد؟

۲- آیا بین میزان اتخاذ دیدگاه زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟

## ۲. مرور پیشینه‌ها

### ۲-۱. دوزبانگی

در تاریخچه آموزش زبان، دوزبانگی تنها مزیتی در برقراری ارتباط با دیگران بود و حتی در مطالعات شناختی، گاهی اوقات دوزبانگی دلیلی برای نگرانی والدین محسوب می‌شد، چراکه این‌گونه تصور می‌رفت که کودکان دوزبانه گیج شده و نمی‌توانند زبان مادری خود را به‌خوبی فرا بگیرند (Barac & Bialystok, 2011). در سال‌های اخیر، ابعاد تازه‌تری از مزایای دوزبانگی مورد بررسی قرار گرفته و توسط پژوهشگران به اثبات رسیده است، مانند داشتن تمرکز بالاتر در افراد دوزبانه

(Bialystok, 1999)، برتری آنها در اولویت‌بندی امور و چندکارگی (Poarch & Bialystok, 2015)، و همچنین در حل مسأله و تفکر خلاق (Bialystok, 1999). چنین مزایایی زمینه توجه بیشتر به یادگیری زبان دوم از سن پایین‌تر تا سطح مهارت بالاتر یا دوزبانه‌شدن را فراهم می‌آورد.

اینکه به چه کسی دوزبانه گفته می‌شود، همچنان مورد بحث است. دوزبانگی پایه، یعنی تسلط کامل و یک‌اندازه به دو زبان، پدیده‌ای نادر است و تنها در دنیای نظری واقعیت دارد. مهارت‌های زبانی افراد نسبی هستند و به متغیرهای گوناگونی چون پیشینه افراد، زمینه‌های اجتماعی، و میزان تعامل فرد با دیگران و با زبان بستگی دارند (Savignon, 2002). افزون بر آن، میزان مهارت در هر زبان در طول زندگی فرد دوزبانه متغیر است و ممکن است با سفر از کشوری به کشور دیگر و یا با قرارگیری در محیط زبانی دیگر تغییر کند؛ به‌طور مثال، چنانچه فرد دوزبانه‌ای که به هر دو زبان فارسی و آذری تسلط دارد، در محیط فارسی‌زبان کار کند و با گویشوران این زبان معاشرت بیشتری داشته باشد، زبان فارسی زبان غالب او خواهد بود و ممکن است مهارت وی در زبان آذری را تحت تأثیر قرار دهد یا آمادگی ذهن او در پردازش این زبان را دستخوش تغییر کند.

از این‌رو، در ادبیات موضوع، تعاریف مختلفی از دوزبانگی یافت می‌شود. در تعریف دوزبانگی از بلومفیلد (Bloomfield, 1933) می‌خوانیم که فرد دوزبانه به دو زبان به صورت روان صحبت می‌کند، ولی در تعریف گراسجین از دوزبانگی آمده است که فرد دوزبانه کسی است که در حدی به دو زبان اشراف دارد که بتواند نیازهای خود را با استفاده از هر زبان بر طرف کند (Grosjean, 1998). از سوی دیگر، از منظر بایلیستاک، کودکان می‌توانند تنها با یادگیری یک زبان محاوره و یک زبان اشاره، دوزبانه شوند (Bialystok, 2003). بایلیستاک نسبت به وجود

مرزی روشن بین مهارت بومی و مهارت در زبان دوم خوش بین نیست، از این رو، چنین اظهار می‌کند که این عدم شفافیت، توافق بر سر تعریفی مشخص از بومی-بودن در زبان را دشوار می‌سازد. از نظر وی، بهترین تعریف دوزبانگی، تعریفی است که دو دیدگاه زبانشناسی و عملی را در خود بگنجانند، بدان معنا که هم شامل درک زبانی مطرح در نظریه‌های رسمی باشد و هم مهارت‌های ارتباطی موجود در نظریه-های عملی را شامل شود (Bialystok, 2003).

در توصیف دوزبانگی، مفتون و شکیبافرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده را میزان دانش فرد نسبت به زبانی که استفاده می‌کند، می‌دانند؛ تعریفی که شامل هر دو بُعد زبانشناسی و عملی مهارت زبان می‌شود. مکی<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) معتقد است که مهارت زبانی در بهترین حالت باید در یک طیف تعریف شود. بنابراین، می‌توان گفت دوزبانگی یک توانایی نسبی است که با گذر زمان تغییر می‌کند و بهتر است به کمک یک طیف اندازه‌گیری شود.

## ۲-۲. اتخاذ دیدگاه

اتخاذ دیدگاه از توانایی‌های شناختی مهم در روانشناسی شناختی و رشدی است. وندرگراف<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۱۴) اتخاذ دیدگاه، که به آن همدلی شناختی نیز گفته می‌شود را «آگاهی و درک احساسات فردی دیگر» (ص ۸۸۱) تعریف می‌کنند و آن را در مقابل همدلی عاطفی قرار می‌دهند و از آن به تجربه احساسات به همراه حس نگرانی و یا حتی تأسف برای دیگری یاد می‌کنند.

<sup>۱</sup> Maftoon & Shakibafar

<sup>۲</sup> Mackey

<sup>۳</sup> Van der Graaff

یکی از نظریه‌های اساسی که به طبقه‌بندی اتخاذ دیدگاه می‌پردازد، نظریه ذهن است که بیشتر توسط بارن کوهن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) به آن پرداخته شده است. اشلینگر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹: ۴۳۵) درباره این نظریه می‌گوید: «نظریه ذهنی به توانایی فرد در استنتاج آنچه دیگران به آن می‌اندیشند یا احساس می‌کنند، می‌پردازد و هدفش پیش‌بینی این موضوع است که دیگران در رویارویی با موقعیت‌های خاص ممکن است چه عملی انجام دهند» و فقدان آن را کوری ذهنی می‌نامد. نظریه ذهن، پنج سطح برای اتخاذ دیدگاه قائل است:

سطح اول، اتخاذ دیدگاه بصری: فرد بداند که دیگران می‌توانند به صورتی متفاوت ببینند؛ سطح دوم، اتخاذ دیدگاه بصری پیچیده: فرد بداند که دیگران می‌توانند هر آنچه را که او می‌بیند به صورتی متفاوت ببینند؛ سطح سوم، دیدن منتهی به دانستن می‌شود؛ سطح چهارم، باور درست: پیش‌بینی رفتار فرد دیگر بر اساس دانشی که می‌دانیم دارد؛ سطح پنجم، باور نادرست: پیش‌بینی رفتار فرد دیگر بر اساس دانش اشتباهی که می‌دانیم دارد.

نظریه ذهن به دلیل ناتوانی در تبیین فرایندهای شناختی لازم برای اتخاذ دیدگاه، مورد انتقاد قرار گرفته است. نظریه‌ای بروزتر که برای دسته‌بندی اتخاذ دیدگاه به کار گرفته می‌شود، نظریه چارچوب ارتباطی است (Barnes-Holmes, et al., 2001). بر اساس این نظریه، پاسخ منطقی کاربردی قراردادی در پس هر پدیده بنیادی نهفته است که متشکل از شناخت و زبان انسان است، مانند نام‌گذاری، نقل داستان، شوخی، استعاره و اتخاذ دیدگاه. پژوهشگران نظریه چارچوب ارتباطی، الگوهای پاسخ منطقی کاربردی قراردادی را چارچوب‌های

<sup>۱</sup> Baron-Cohen

<sup>۲</sup> Schlinger

ارتباطی می‌نامند و سه ویژگی اصلی برای آن‌ها قائل هستند: ۱- استلزام متقابل که رابطه بین دو کنشگر یا دو اتفاق را توصیف می‌کند؛ ۲- استلزام ترکیبی که مربوط به سه کنشگر یا بیشتر است؛ ۳- دگرگونی عملکرد کنشگرها که به ویژگی رفتاری گفته می‌شود که برای روابط کنشگرها، محتوای روانشناختی فراهم می‌کند. در رابطه با اتخاذ دیدگاه، این نظریه سه قالب ارتباطی را شناسایی می‌کند: من و تو، اینجا و آنجا، اینک و آنگاه (Barnes-Holmes, et al., 2001).

بین نظریه ذهن و نظریه چارچوب ارتباطی، هم‌پوشانی‌هایی نیز وجود دارد؛ به‌طور مثال، هنگامی که فرد می‌تواند جسمی را از موقعیت متفاوتی از فرد دیگر، به گونه‌ای دیگر ببیند، آن‌طور که در سطح نظریه ذهن به آن اشاره شده است، رفتار آن شخص با چارچوب اینجا و آنجا نظریه چهارچوب ارتباطی منطبق است.

فلاول<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۸۱) اتخاذ دیدگاه را به دو زیر مجموعه تقسیم می‌کنند. از نظر آنان، سطح یک مربوط است به آن چه فرد مقابل می‌تواند درک کند، درحالی که سطح دوم به دنبال فهم دیدگاه فرد مقابل و درک او از دنیاست.

### ۲-۳. جنسیت در دوزبانگی

در روان‌شناسی، تفاوت جنسیت در دو سطح مطرح می‌شود: سطح اول اشاره به تمایزات جنسی با ریشه زیست‌شناختی و تمایلات بیولوژیکی دارد. سطح دوم به تمایزات جنسیتی با ریشه فرهنگی - هنری اشاره می‌کند (Mazaheri, 2004). اگر سخنگویان مختلف افکار متفاوت داشته باشند، این سؤال پیش می‌آید که کسانی که بیش از یک زبان دارند چگونه می‌توانند، فکر کنند. زمانی که زبان مربوط

<sup>۱</sup> Flavell

به یک هویت است و هویت با توجه به جنسیت، شکل و فکر متفاوتی را دنبال می‌کند، اهمیت دوزبانگی بارزتر و شکل و ظاهری پیچیده‌تر به خود می‌گیرد و باید در مسأله دوزبانگی تأثیر تفکرات ادراکی در جنسیت‌های متفاوت را مد نظر قرار داد (Green, 1998, Odlin, 2003, Pavlenko, 2005).

در ارتباط با مسأله تفاوت‌های مردان و زنان می‌توان با قاطعیت بیان کرد که پژوهش‌هایی که در دهه اخیر انجام شده نشان می‌دهد که تفاوت‌های قابل‌توجهی بین ظرفیت‌های هوش در پدیده دوزبانگی بین زنان و مردان وجود دارد. مثلاً سوچینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهشی درباره ارزیابی هوش چندگانه جمعی از معلمان زن و مرد در تایوان، نشان داد که زنان در هوش زبانی نسبت به مردان ارجحیت دارند و از توانایی بیشتری در این زمینه برخوردارند. میردهقان و همکارانش (۱۳۹۰) در پژوهشی بر عملکرد دوزبان‌های آذری — فارسی با یک‌زبان‌های فارسی‌زبان در درک ضرب‌المثل‌ها نشان داد که جنسیت در این زمینه تأثیر دارد و زنان از کارایی بالاتری نسبت به مردان برخوردارند.

در قرن بیستم، عموم دانشمندان بر این باور بودند که از لحاظ جنسیت تفاوتی در بین زنان و مردان در هوش عمومی آنها وجود ندارد، اما این اجماع دیدگاه توسط لین<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) مورد بررسی قرار گرفت. او با ارائه پژوهش‌هایی در این زمینه، متوجه تغییراتی در زمینه ادراکی و هوشی مردان و زنان شد. به این ترتیب، دوزبان‌ها دارای خزانه وسیع‌تر زبان‌شناختی، انعطاف‌پذیری شناختی و راهبردهای پردازشی بیشتری

<sup>۱</sup> Su-Ching

<sup>۲</sup> Lynn



نسبت به تک‌زبان‌ها بودند و همچنین در یادگیری زبان، زنان نسبت به مردان توانمندتر بودند (Cenoz, 2003).

## ۲-۴. شاخص اندازه‌گیری واکنش‌پذیری بین فردی (IRI)

همدلی، یعنی همان واکنش‌پذیری عاطفی ما نسبت به تجارب دیگران (Chopik, et al., 2017) و اتخاذ دیدگاه، در روانشناسی دو اصطلاح با تعاریف بسیار نزدیک بودند و در بسیاری از مطالعات به یکدیگر ارتباط داده می‌شدند (به‌طور مثال، Penner, et al., 1997; Trad, 1986). در این مطالعات، از اتخاذ دیدگاه به-عنوان همدلی شناختی یاد شده و در مقابل همدلی عاطفی قرار گرفته است، اما در دهه ۸۰ میلادی، دیویس<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) بین دو مفهوم اتخاذ دیدگاه و همدلی شناختی تمایز قائل شد و توضیح داد که اتخاذ دیدگاه یکی از ابعاد همدلی است. او همدلی را دارای چهار بُعد همدلی خیالی، نگرانی همدلانه، پریشانی شخصی، و اتخاذ دیدگاه می‌داند. در پی آن، دیویس درصد برآمد که تفاوت‌های فردی در این چهار بعد را اندازه‌گیری کند و در نتیجه، شاخص اندازه‌گیری واکنش‌پذیری بین فردی (IRI) را به‌وجود آورد. از آن زمان، این شاخص به‌طور گسترده در پژوهش‌هایی از کشورهای مختلف در سراسر جهان استفاده شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به پژوهش‌های آلترمن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳)، ژیلت<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۳) و فرناندز<sup>۵</sup> و

۱ Interpersonal Reactivity Index

۲ Davis

۳ Alterman

۴ Gilet

۵ Fernández

همکاران (۲۰۱۱) اشاره کرد. در پژوهشی که در مقیاس بزرگ انجام شد، چوپیک<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۷) تنوع فرهنگی در همدلی را در نمونه‌ای به بزرگی ۱۰۴۳۶۵ فرد بزرگسال از ۶۳ کشور مختلف مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که کشورهایی که همدلی بالاتری دارند، دارای سطوح بالاتری از کل‌گرایی، وجدان‌گرایی، توافق‌داشتن، عزت نفس، رفاه ذهنی<sup>۲</sup>، بروز عاطفی و رفتار مشروع نیز هستند.

## ۲-۵. هزینه اتخاذ دیدگاه

مروری بر ادبیات پیشین در زمینه‌ی اتخاذ دیدگاه، تنها بیان‌گر محاسن آن نیست، بلکه با مشکلاتی نیز همراه است. منکزک، دلونگیس و چن<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) معتقدند میزان زیاد همدلی منجر به واکنش‌پذیری فیزیولوژیکی می‌شود. آن‌ها چنین توضیح می‌دهند که هنگامی که فرد به‌طور مداوم در حال همدلی است، باید دیدگاه‌ها و رفتار شخصی خود را به صورت غیرواکنشی نمود دهد و چنین سرکوب عاطفی‌ای به نتیجه عکس می‌انجامد و به شکل پاسخ‌های فیزیولوژیکی به عوامل استرس‌زا نمود می‌کند.

در پژوهشی دیگر، ترانت<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۲) نسبت به تأثیرات منفی اتخاذ دیدگاه بیش از حد هشدار می‌دهند. این پژوهشگران توضیح می‌دهند که در مواردی که فرد به میزان زیاد با افراد دیگر گروه همدردی می‌کند، این اتخاذ دیدگاه بالا می‌تواند منجر به کلیشه‌انگاری افراد خارج از گروه شود. بر این اساس، چنین مراتبی

<sup>۱</sup> Chopik

<sup>۲</sup> Subjective well-being

<sup>۳</sup> Manczak, DeLongis & Chen

<sup>۴</sup> Tarrant

ممکن است باعث شکل‌گیری قضاوت‌های منفی این فرد در مورد افراد خارج از گروه شده و در نهایت، به روابط بین‌گروهی آسیب بزند.

## ۲-۶. پیشینه پژوهش در مورد اتخاذ دیدگاه، دوزبانگی و جنسیت

اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه و یک‌زبانه در پژوهش‌های پیشین نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. انگوین و استینگتن<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) تعداد ۲۴ نفر یک‌زبانه و ۲۴ نفر دوزبانه را مورد مطالعه قرار دادند و در حالی که سن و پیش‌زمینه اجتماعی را ثابت نگه داشته بودند، به مقایسه نمرات «باور نادرست» آن‌ها با یکدیگر پرداختند. همان‌طور که در بخش پیشینه پژوهش گفته شد، بر اساس طبقه‌بندی انجام‌شده توسط نظریه ذهن، باور نادرست، سطح پنجم از اتخاذ دیدگاه است. نتایج این پژوهش نشان داد افراد دوزبانه از سطح بالاتری از اتخاذ دیدگاه برخوردارند، اما فقط هنگامی که مهارت آن‌ها در زبان دوم ثابت نگه داشته شود. دلیل دستیابی به چنین نتایجی واضح است، چراکه آزمون‌های باور نادرست نیاز به مهارت زبانی بالایی دارند و این مسأله می‌توانسته در پژوهش نام‌برده عاملی تعیین‌کننده باشد.

پژوهشی دیگر توسط گرینبرگ، بلانا و بایلیستاک<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) به مقایسه اتخاذ دیدگاه فضایی در افراد دوزبانه و یک‌زبانه‌ای که از نظر هوش سیال و توانایی کلامی یکسان بودند، پرداخت. در توضیح نتایج که به نفع افراد دوزبانه بود، پژوهشگران به وجود هماهنگی بین عملکرد اجرایی ذهنی با اتخاذ دیدگاه اشاره کردند و چنین نتیجه‌گیری کردند که چون عملکرد اجرایی ذهنی در افراد دوزبانه بالاتر است، دارای اتخاذ دیدگاه بهتری هستند.

<sup>۱</sup> Nguyen & Astington

<sup>۲</sup> Greenberg, Bellana & Bialystok

اتخاذ دیدگاه اجتماعی افراد دوزبانه و یک‌زبانه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش هسین و اسنو<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) بر دانش‌آموزان دوزبانه از گروه‌های اقلیت زبانی و دانش‌آموزان یک‌زبان انگلیسی زبان در آمریکا نشان می‌دهد که با وجود این‌که دانش‌آموزان دوزبانه، مهارت بالایی در انگلیسی به‌عنوان زبان دوم نداشتند، در نگارش انشاء استدلالی انگلیسی نسبت به همسالان یک‌زبان آمریکایی، دارای اتخاذ دیدگاه بالاتری بودند.

در بررسی نقش جنسیت در مطالعات اتخاذ دیدگاه، به یافته‌های درخور توجهی برمی‌خوریم. وندرگراف و همکارانش (۲۰۱۴) تعداد ۴۹۷ نوجوان را طی شش دوره مورد مطالعه قرار دادند. از این نوجوانان خواسته شد تا سطح اتخاذ دیدگاه خود را با استفاده از یک پرسشنامه گزارش کنند. با گذشت هر دوره از سنین نوجوانی، نتایج اتخاذ دیدگاه بالاتری به‌دست آمد، اما سطح اتخاذ دیدگاه در دختران از نظر آماری به‌طور معناداری بالاتر از اتخاذ دیدگاه در پسران بود. در توضیح این یافته، پژوهشگران چنین اظهار کردند که این نتایج ممکن است به دلیل افزایش سطح هورمون تستوسترون در پسران به دلیل نزدیکی به سن بلوغ جنسی باشد. در پژوهش دیگری نیز به برتری میزان اتخاذ دیدگاه در زنان از فرهنگ‌های مختلف اشاره شده است و این در حالی است که سرعت عمل مردان در انجام آزمون‌های اتخاذ دیدگاه نسبت به زنان بالاتر است (Kessler, et al., 2014).

## ۷-۲. پیشینه پژوهش در مورد اتخاذ دیدگاه و دوزبانگی در ایران

گرچه نویسندگان اثر حاضر موفق به یافتن پژوهشی که مشخصاً به مقایسه اتخاذ دیدگاه در افراد دوزبانه و یک‌زبانه پرداخته باشد، نشدند، اما پژوهش‌هایی مرتبط

<sup>۱</sup> Hsin & Snow

با این مباحث در دسترس قرار دارند. نزدیک‌ترین پژوهش به پیشینه مورد بحث، اثری است از بحری و بحری (۱۳۹۶) که در مطالعه‌ای مقایسه‌ای به بررسی تفاوت نظریه ذهن در افراد دوزبانه و یک‌زبانه پرداختند. این پژوهشگران، دانشجویان دختر فارسی زبان و دانشجویان دختر فارسی — آذری زبان هم‌تا با آنها را مطالعه نموده و دریافتند که نظریه ذهن در افراد دوزبانه و یک‌زبانه تفاوت معناداری دارد، و در افراد دوزبانه بالاتر گزارش شده است. آنان چنین نتیجه‌گیری کردند که دوزبانگی باعث بهبود عملکرد مغز در نظریه ذهن می‌شود.

در پژوهشی دیگر که فارغ از متغیر زبان به مطالعه اتخاذ دیدگاه، و یا به گفته پژوهشگران آن مطالعه، دیدگاه‌گیری، پرداخته است، جوکار، سامانی و فولادچنگ (۲۰۰۰) تعداد ۷۰ نفر کودک دختر و پسر در دوره پیش‌دبستانی را به صورت انفرادی با سه نوع تکلیف مختلف اتخاذ دیدگاه (که شامل تکلیف خانه عروسک‌ها، مهره‌ها و آب نبات بود)، مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش مورد بحث حاکی از آن بود که تفاوت در اتخاذ دیدگاه به نوع تکلیف وابسته بوده و هر چه تکلیف با تجربیات روزمره کودک همسوتر باشد، احتمال اتخاذ دیدگاه دیگران توسط کودک بیشتر است.

محمدی و امیری (۱۳۹۵) تعداد ۱۹۲ دانش‌آموز دبستانی در شهر اصفهان را به دو دسته ی زورگو و قربانی تقسیم کردند و پرسشنامه‌ی همدلی برایانت (۱۹۸۲) را بر این جامعه آماری اعمال نمودند. به گفته این پژوهشگران، نتایج آزمون‌های تی گزارش شده نشان داد که میزان همدلی در این دو گروه تفاوت معناداری ندارد، اما تفاوت در اتخاذ دیدگاه آن‌ها معنادار است. آنان توصیه کردند که به منظور بهبود

روابط بین فردی، باید اتخاذ دیدگاه و همدلی به عنوان مهارت‌های اساسی در آموزش رسمی و اصول فرزندپروری قرار گیرند.

در پژوهش‌های متمرکز بر جامعه آماری بزرگسال، به مواردی چون پژوهش یعقوبی و محمدزاده (۱۳۹۵) برمی‌خوریم. این پژوهشگران به بررسی تأثیر آموزش دیدگاه‌گیری اجتماعی بر سبک‌های حل تعارض زوجین پرداختند. نمونه آماری شامل ۶۰ زوج در دو گروه ۳۰ نفره (گروه آزمایش و گروه گواه) بودند و تنها گروه آزمایش، در ۱۰ جلسه، تحت آموزش اتخاذ دیدگاه قرار گرفتند. با مقایسه نتایج ارزشیابی سبک‌های حل تعارض دو گروه، قبل و بعد از جلسات آموزشی گروه آزمایش و همچنین، یک ماه پس از اتمام جلسات آموزشی، نشان داده شد که آموزش اتخاذ دیدگاه باعث افزایش معنادار نمره سبک‌های حل تعارض زوجین شده و این تغییر با گذر زمان ماندگار است.

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که بر متغیر دوزبانگی تأکید دارند، بیشتر به بررسی دیگر ویژگی‌های شناختی افراد دوزبانه، مانند کارکردهای اجرایی، حافظه فعال و پردازش ذهنی پرداخته‌اند و تأکید کمتری بر جنبه اتخاذ دیدگاه این جامعه آماری داشتند؛ به طور نمونه، گلستانی فرد، نیکوگفتار و شمس اسفندآباد (۱۳۹۵) اقدام به مقایسه کارکردهای اجرایی و حافظه ۱۲۰ دانش آموز دختر و پسر ۷ تا ۱۲ ساله دوزبانه و یک‌زبانه نمودند. نتایج نشان داد که کارکردهای اجرایی سازماندهی و برنامه‌ریزی و انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری را داراست، درحالی‌که در حافظه فعال و منفعل بین این دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشده است. افزون بر آن، دو گروه تفاوت‌های جنسیتی چندانی نداشتند، به جز یک مورد، که کارکرد اجرایی انعطاف‌پذیری دختران یک‌زبانه بود که نتایج بالاتری را از پسران نشان داد.

شفیع‌آبادی، محمدی‌فر و رضایی (۱۳۹۶)، با استفاده از آزمون های ان بک<sup>۱</sup> حافظه فعال افراد دوزبانه فارسی - آذری و یک‌زبانه فارسی را مقایسه کردند. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین دو گروه بود و بیانگر این که تأثیر دوزبانگی بر عملکرد حافظه‌ی فعال مثبت است. همچنین، گزارش شد که عملکرد شرکت‌کنندگان پسر در تکالیف حافظه فعال غیرکلامی بهتر از دختران است.

واعظی، ذوالفقاری‌دچی و رحیمی (۱۳۹۱) با اعمال آزمون وکسلر بر ۲۵ کودک دبستانی ۸ تا ۱۰ سال دوزبانه و تک‌زبانه به این نتیجه رسیدند که عملکرد ذهنی و هوش افراد دوزبانه و یک‌زبانه تفاوت معناداری ندارد و از این‌رو دوزبانگی منتهی به عملکرد ذهنی بالاتر نمی‌شود.

## ۸-۲. اندازه‌گیری اتخاذ دیدگاه

در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری اتخاذ دیدگاه از بخش اتخاذ دیدگاه شاخص اندازه‌گیری واکنش‌پذیری بین‌فردی دیویس<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) استفاده شد. این بخش شامل شش پرسش است که تعداد چهار پرسش دارای امتیاز مثبت و تعداد دو پرسش دارای امتیاز منفی هستند. امتیازات بین صفر و چهار است و بالاترین و پایین‌ترین امتیازات کلی به ترتیب ۱۶ و ۸- امتیاز است.

## ۹-۲. خودارزیابی سطح دوزبانگی

نظر به این که در نتایجی که از آزمون‌های زبان به دست می‌آید، مهارت تست‌زنی و یا مهارت شرکت در آزمون نیز دخالت دارد، در پژوهش حاضر، برای ارزیابی سطح زبان شرکت‌کنندگان از برگه خودارزیابی استفاده شد. این برگه شامل سؤالاتی

<sup>۱</sup> n-back

<sup>۲</sup> Davis

درباره تعداد زبان‌هایی که شرکت‌کنندگان می‌دانستند، میزان برخورد روزانه آن‌ها با هر زبان (به درصد)، مدت زمان آشنایی آن‌ها با هر زبان (به سال)، محیطی که زبان در آن آموخته شده و تمرین شده بود، و سن شروع هر زبان بود. برای کنترل تأثیر عامل ذهنی فردی<sup>۱</sup> یک دستورالعمل امتیازدهی<sup>۲</sup> به برگه خودارزیابی اضافه شد. همچنین، از طریق مصاحبه فردی با شرکت‌کنندگان، پژوهشگران اطمینان حاصل نمودند که آنان به ارزش واقعی نمراتی که به خود می‌دادند، واقف بودند. در مقیاس از صفر تا ۱۰، کسانی که صرفاً به زبان دوم خود نمره بالاتر از ۸ داده بودند، دوزبانه در نظر گرفته شدند و افرادی که به خود نمره کمتر از ۴ داده بودند، یک‌زبانه تشخیص داده شدند. افرادی که به خود بین ۴ تا ۸ نمره داده بودند، در نمونه مطالعاتی این پژوهش محسوب نشدند.

### ۳. روش‌شناسی

نمونه آماری پژوهش حاضر تعداد ۲۰۰ نفر بزرگسال است که با روش غیرتصادفی گلوله برفی انتخاب شده‌اند. در ابتدا، با استفاده از برگه خودارزیابی، ۱۰۰ فرد دوزبانه انتخاب شده‌اند و سپس، با ۱۰۰ فرد یک‌زبانه که از نظر سن، جنسیت و سطح تحصیلات با آن‌ها هم‌تا بوده‌اند، جور شده‌اند. میانگین سن شروع دوزبانگی در افراد دوزبانه این پژوهش ۴/۹۰ است که دلالت بر حضور گروهی افراد دوزبانه دارد که از سن کم زبان دوم را شروع کرده‌اند. این افراد دارای پیشینه‌های زبانی گوناگونی بوده‌اند: ۳۹ نفر دوزبانه ارمنی - فارسی، ۳۴ نفر دوزبانه آذری - فارسی، ۲۵ نفر دوزبانه کردی - فارسی، یک نفر دوزبانه انگلیسی - فارسی و یک نفر دوزبانه ترکمن - فارسی. زبان مادری همه یک‌زبان‌ها فارسی بوده و به زبان دیگری تسلط نداشته‌اند.

<sup>۱</sup> subjectivity

<sup>۲</sup> rubric



نمونه شامل ۷۴ زن (۳۷ نفر یک‌زبانه و ۳۷ نفر دوزبانه) و ۱۲۶ مرد (۶۳ نفر یک‌زبانه و ۶۳ نفر دوزبانه) بوده است. طیف سنی هر دو گروه افراد دوزبانه و یک‌زبانه نزدیک به یکدیگر بوده است. میانگین سنی برای یک‌زبانه‌ها ۳۵/۰۸ سال با انحراف معیار ۱۳/۰۳ و برای دوزبانه‌ها میانگین سنی ۳۴/۹۴ با انحراف معیار ۱۲/۶۶ بوده است. سطح اجتماعی شرکت‌کنندگان از طریق پیشینه تحصیلی آن‌ها اندازه‌گیری شده است. به این منظور، به هر دوره تحصیلی به‌طور قراردادی امتیازی تعلق گرفته است؛ به طور مثال، به مدرک تحصیلی دیپلم امتیاز ۱ و به مدرک دانشگاهی دکتری امتیاز ۵ اختصاص یافته است. چنانچه شرکت‌کنندگان در حال تحصیل برای اخذ مدرک تحصیلی بالاتر بودند، میزان ۰/۵ امتیاز بیشتر از مدرک تحصیلی فعلی خود امتیاز گرفته‌اند؛ مثلاً دانشجوی کارشناسی ارشد امتیاز تحصیلی ۳/۵ را به‌عنوان امتیاز سطح اجتماعی خود اخذ کرده است. میانگین سطح اجتماعی یک‌زبانه‌ها ۲/۷۰ با انحراف معیار ۱/۱۸ و برای دوزبانه‌ها ۲/۷۲ با انحراف معیار ۱/۲۲ بوده است.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

اولین پرسش این پژوهش مربوط به بررسی تفاوت نمرات اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه و یک‌زبانۀ نمونه مورد مطالعه است. برای پاسخ به این پرسش، از آزمون تی استفاده شده است. جدول ۱ نتایج حاصل را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است، نمرات اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه دارای میانگین = ۱۰/۵۴ و انحراف معیار = ۲/۹۲ و افراد یک‌زبانه دارای میانگین = ۹/۰۷ و انحراف معیار = ۴/۴۵ هستند. میزان تی بدست‌آمده (۲/۷۵) در سطح معناداری ۰/۰۵ از نظر آماری تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. بزرگی این تفاوت در میانگین نمرات (تفاوت میانگین‌ها = ۱/۴۷، ۹۵٪ سی‌آی: ۲/۵۲ تا ۴/۱۷) نسبتاً کم است (مجذور اتا = ۰/۰۳).

## جدول (۱): آزمون تی با نمونه های مستقل برای اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه و یکزبانه

انحراف معیار	اختلاف میانگین	Sig (۲- tailed)	df	t	Sig	F	
۰/۵۳۳	۱/۴۷۰	۰/۰۰۶	۹۸	۲/۷۵۷	۰/۰۰۱	۱/۷۱۹	با فرض واریانس یکسان
۰/۵۳۳	۱/۴۷۰	۰/۰۰۶	۷۰/۸۷۶	۲/۷۵۷			با فرض واریانس غیر یکسان

پرسش دوم این پژوهش در مورد تفاوت نمرات اتخاذ دیدگاه زنان و مردان در نمونه آماری یادشده است. برای پاسخ به این پرسش نیز از آزمون تی استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۲ منعکس شده‌اند.

## جدول (۲): آزمون تی با نمونه‌های مستقل برای اتخاذ دیدگاه زنان و مردان

انحراف معیار	اختلاف میانگین	Sig (۲- tailed)	df	t	Sig	F	
۰/۵۳۶	۲/۴۳۳	۰/۰۰۰	۹۸	۰/۵۴۳	۰/۸۴۹	۰/۰۳۶	با فرض واریانس یکسان
۰/۵۲۸	۲/۴۳۳	۰/۰۰۰	۶۰/۰۲۵	۰/۶۱۰			با فرض واریانس غیر یکسان

در ادامه، برای بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و نمرات اتخاذ دیدگاه نمونه مورد مطالعه از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتیجه نشان داد که بین دو متغیر، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $r = .27, n = 200, p < .001$ ). نتایج در جدول ۳ قابل رؤیت است.

جدول (۳): همبستگی بین اتخاذ دیدگاه و سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	اتخاذ دیدگاه		
۱	۲۰۰	همبستگی پیرسون	اتخاذ دیدگاه
۰/۳۷۹**			
۰/۰۰۰		Sig (2-tailed)	
۲۰۰	۲۰۰	فراوانی	
۱	۰/۳۷۹**	همبستگی پیرسون	سطح تحصیلات
	۰/۰۰۰	Sig (2-tailed)	
۲۰۰	۲۰۰	فراوانی	

همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (دو طرفه).

## ۵. نتیجه گیری

بر اساس تفاوت‌های معناداری که بین اتخاذ دیدگاه افراد دوزبانه و یک‌زبانه ملاحظه شد، می‌توان نتیجه گرفت که دوزبانگی و اتخاذ دیدگاه رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند. این روند در پژوهش‌های دیگر نیز مشاهده شده است و با آنها در یک راستا است (Greenberg, et al., 2013; Hsin & Snow, 2017; Nguyen & Astington, 2014). بعضی از نظریه‌پردازان، سطح بالای اتخاذ دیدگاه توسط افراد دوزبانه را مربوط به عملکرد ذهنی عالی آنها می‌دانند و معتقدند که با توجه

به اینکه فرد دوزبانه در هر لحظه ملزم است، بین دو زبان انتخاب کند، عملکرد ذهنی وی همواره درگیر بوده و به دلیل تمرین بیشتر تقویت می‌شود و همین مسأله به پیشرفت اتخاذ دیدگاه فرد دوزبانه کمک می‌کند (Bialystok, 2001). این درحالیست که برخی دیگر معتقدند برتری شناختی مشاهده‌شده در افراد دوزبانه به دلیل کارکرد بهتر حافظه فعال آنهاست، چراکه این حافظه فعال است که برای دسترسی به حافظه بلندمدت و بازیابی کلمات از دو منبع گنجینه واژگان مدام درگیر است (Nguyen & Astington, 2014).

افزون بر آن، زنان نسبت به مردان نمرات اتخاذ دیدگاه بالاتری کسب کردند و این نشانگر برتری زنان نسبت به مردان در اتخاذ دیدگاه است. این یافته نتایج پژوهش وندرگراف و همکارانش (۲۰۱۴) را تأیید می‌کند. از نظر آنان، این یافته ریشه در تأثیرات فرهنگی کلیشه‌های مردانه دارد که پسران را تشویق می‌کنند که به نظر قوی‌تر و غیرعاطفی‌تر برسند. شایان ذکر است که در مطالعه کسلر و همکاران (Kessler, et al., 2014) برتری زنان نسبت به مردان در اتخاذ دیدگاه در فرهنگ‌های مختلف نیز مشاهده شده است. این در حالی است که پژوهش‌ها نشان داده‌اند همواره میزان بالاتر از اتخاذ دیدگاه، مطلوب نیست و ممکن است آسیب‌هایی به همراه داشته باشد (Manczak, et al., 2016)؛ آنچه اکنون مطرح است این است که با توجه به تأثیرات مثبت اتخاذ دیدگاه و عواقب ناخواسته آن در سطح بالای این ویژگی، میزان مطلوب اتخاذ دیدگاه در هر فرد چقدر است. امید است پژوهش‌های آتی بتوانند پاسخی برای این پرسش پیدا کنند.

آخرین مرحله از تحلیل داده‌ها نشان داد که نظام آموزش عالی در ارتقای سطح اتخاذ دیدگاه موفق بوده است، چراکه با افزایش سطح تحصیلات شاهد افزایش سطح اتخاذ دیدگاه بودیم. پژوهش‌های دیگر در زمینه دوزبانگی نیز بعضی

برتری‌های شناختی افراد دوزبانه را مرتبط با سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی دانسته‌اند (Calvo & Bialystok, 2014). شایان ذکر است که در پژوهش یادشده، برتری شناختی دوزبانه‌ها نسبت به یک‌زبان‌ها در هر دو گروه تحصیل‌کرده و با تحصیلات پایین مشاهده شده، اما تحصیلات بالاتر به افزایش سطح ویژگی شناختی مورد مطالعه، که در پژوهش حاضر اتخاذ دیدگاه است، کمک می‌کند.

### منابع

- بحری، مریم، و بحری، مائده. (۱۳۹۶). «نقش انعطاف‌پذیری شناختی در پیش‌بینی عملکرد مهارتی قطعه‌پیمایی مغز افراد دوزبانه». *نخستین کنگره ملی دانشجویی پژوهش‌های نوین در روانشناسی شناختی. دانشگاه گیلان، دانشکده علوم و ادبیات انگلیسی.*
- جوکار، بهرام؛ سامانی، سیامک و فولادچنگ، محبوبه. (۲۰۰۰). «دیدگاه‌گیری در کودکان پیش‌دبستانی: بررسی مقایسه درون‌فردی و بین‌فردی». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ۲/۵: ۱۳۷-۱۶۰.
- شفیع‌آبادی، الهه؛ محمدی‌فر، محمدعلی و رضایی، علی‌محمد. (۱۳۹۶). «مقایسه حافظه فعال افراد دوزبانه و تک‌زبان و تفاوت جنسیتی». *تازه‌های علوم شناختی*. ۱۹(۲): ۳۰-۴۲.
- گلستانی فرد، مونا؛ نیکوگفتار، منصوره و شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۹۵). «مقایسه کارکردهای اجرایی و حافظه دانش‌آموزان دوزبانه و یک‌زبان». *دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*. ۵(۹)، ۶۵-۵۰.
- محمدی، زهرا و امیری، شعله. (۱۳۹۵). «مقایسه دیدگاه‌گیری عاطفی و میزان همدلی در دانش‌آموزان زورگو و قربانی زورگویی». *فصلنامه سلامت روانی کودک*. ۳(۱): ۱۹-۲۷.
- میردهقان، مهین‌ناز؛ نجاتی، وحید و داوودی، ایلناز. (۱۳۹۱). «درک ضرب‌المثل‌های فارسی در نوجوانان یک‌زبان و دوزبانه: تحلیل مقایسه‌ای عملکرد بر پایه مدل اقتناع محدودیت».
- پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. ۳/۳: ۱۹۳-۲۱۶.
- واعظی، شهین؛ ذوالفقاری اردچی، فاطمه و رحیمی، ابراهیم. (۱۳۹۱). «پردازش ذهنی در کودکان دوزبانه و تک‌زبان». *تفکر و کودک*. ۱/۳: ۱۱۹-۱۳۴.

- یعقوبی، ابوالقاسم و محمدزاده، سروه. (۱۳۹۵). «اثر آموزش دیدگاه‌گیری اجتماعی بر سبک‌های حل تعارض زوجین». *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۲۸/۷: ۱۰۳-۱۳۱.
- Alladi, S. et al. (2013). "Bilingualism delays age at onset of dementia, independent of education and immigration status". *American Academy of Neurology*. 81(22). 1938-44.
- Alterman, A. I., P. A. McDermott, J. S. Cacciola & M. J. Rutherford. (2003). "Latent structure of the Davis Interpersonal Reactivity Index in methadone maintenance patients". *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*. 25(4). 257-265.
- Bak, T. H., J. J. Nissan, M. M. Allerhand & I. J. Deary. (2014). "Does bilingualism influence cognitive aging?". *Annals of Neurology*. 75(6). 959-963.
- Barac, R. & E. Bialystok. (2011). "Cognitive development of bilingual children". *Language Teaching*, 44. 36-54.
- Barnes-Holmes, Y., D. Barnes-Holmes & V. Cullinan. (2001). "Education". In D. Hayes, D. Barnes-Holmes & B. Roche (eds). *Relational frame theory: A post-Skinnerian account of human language and cognition*. New York: Plenum Press. 181-196.
- Barnes-Holmes, Y., L. McHugh, & D. Barnes-Holmes. (2004). "Perspective taking and theory of mind: A relational frame account". *The Behavior Analyst Today*. 5(1). 15-25.
- Baron-Cohen, S. (1995). *Mindblindness: An essay on autism and theory of mind*. Cambridge, MA: Bradford Books, MIT Press.
- Bialystok, E. (1999). "Cognitive complexity and attentional control in the bilingual mind". *Child Development*. 70(3). 636-644.
- Bialystok, E. (2001). *Bilingualism in development: Language, literacy, and cognition*. New York, N.Y.: Cambridge University Press.
- Bialystok, E. (2003). *Bilingualism in development: Language, literacy and cognition*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Bialystok, E., 2006. "Bilingualism at school: Effect on the acquisition of literacy". In P. McCardle & E. Hoff (eds). *Child bilingualism: Bilingualism at school: Effect on the school age*. Clevedon, Buffalo, Toronto: Multilingual Matters. 107-124.
- Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York, NY: Holt.
- C.I.A. Factbook. (2010). *The world factbook*. s.l.:[https://www. cia. gov/library/publications/the-world-factbook..](https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook..)

- Calvo, A. & E. Bialystok. (2014). "Independent effects of bilingualism and socioeconomic status on language ability and executive functioning". *Cognition*. 130(3). 278-288.
- Cenoz, J. (2003). "The successive effect of bilingualism on third language acquisition: A review". *International Journal of Bilingualism* 7. 71-87.
- Chopik, W. J., E. O'Brien, & S. H. Konrath. (2017). "Differences in empathic concern and perspective taking across 63 countries". *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 48(1). 23-38.
- Davis, M. H. (1983). "Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach". *Journal of Personality and Social Psychology*. 44(1). 113-126.
- Fernández, A. M., M. Dufey, & U. Kramp. (2011). "Testing the psychometric properties of the Interpersonal Reactivity Index (IRI) in Chile". *European Journal of Psychological Assessment*. 27(3). 179-185.
- Flavell, J. H., B. A. Everett, K. Croft & E. R. Flavell. (1981). "Young children's knowledge about visual-perception: Further evidence for the level1 - level2 distinction". *Developmental Psychology*. 17. 99-103.
- Gaither, S. E., J. D. Remedios, D. T. Sanchez & S. R. Sommers. (2015). "Thinking outside the box: Multiple identity mind-sets affect creative problem solving". *Social Psychological and Personality Science*. 6(5). 596-603.
- Gilet, A. L. et al. (2013). "Assessing dispositional empathy in adults: A French validation of the Interpersonal Reactivity Index (IRI)". *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*. 45(1). 42-48.
- Green, D. W. (1998). "Bilingualism and thought". *Psychologica Belgica*. 38. ۲۰۳-۲۷۸.
- Greenberg, A., B. Bellana & E. Bialystok. (2013). "Perspective-taking ability in bilingual children: Extending advantages in executive control to spatial reasoning". *Cognitive Development*. 28(1). 41-50.
- Grosjean, F. (1998). "Studying bilinguals: Methodological and conceptual issues". *Bilingualism: Language and Cognition*. 1(2). 131-149.
- Hamidi, M. (2005). "Duality of language at home and school in Iran: issues and consequences to the PIRLS". *Journal of Human Sciences of Alzahra University*. 15(1). 1-14.

- Hayes, S. C., D. Barnes-Holmes & B. Roche (eds). (2001). *Rational Frame Theory: A Post-Skinnerian Account of Language and Cognition*. New York: Plenum Press.
- Hsin, L. & C. Snow. (2017). "Social perspective taking: a benefit of bilingualism in academic writing". *Reading and Writing*. 30(6). 1193-1214.
- Kessler, K., L. Cao, K. J. O'Shea & H. Wong. (2014). "A cross-culture, cross-gender comparison of perspective taking mechanisms". *Processings of the Royal Society: Series B*. 281(1785). 1-9.
- Kovacs, A. M. & J. Mehler. (2009). "Cognitive gains in 7-month old bilingual infants". *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*. 106(16). 6556-6560.
- Lynn, R. (1994). "Sex differences in brain size and intelligence: A paradox resolved". *Personality and Individual Differences*. 17(2). 257-271.
- Maftoon, P. & M. Shakibafar. (2011). "Who is a bilingual". *Journal of English Studies*. 1(2). 79-85.
- Manczak, E. M., A. DeLongis & E. Chen. (2016). "Does empathy have a cost? Diverging psychological and physiological effects within families". *Health Psychology*. 35(3). 211-218.
- Mazaheri, M.A. (2004). "Convention from the psychology approach". *Journal of Philosophy and Theory*. 8(31). 2-19.
- Nguyen, T. K. & J. W. Astington. (2014). "Reassessing the bilingual advantage in theory of mind and its cognitive underpinnings". *Bilingualism: Language and Cognition*. 17(2). 396-409.
- Odlin, T. (2003). "Cross-linguistic influence". In W. C. Ritchie & T. K. Bhatia (eds). *Handbook of second language acquisition*. San Diego, CA: Academic Press. 436-486.
- Pavlenko, A. (2005). "Bilingualism and thought". In A. M. B. de Groot & J. F. Kroll (eds). *Handbook of bilingualism: Psycholinguistics perspectives*. Oxford: Oxford University Press. 433-453.
- Penner, L. A., A. R. Midili & J. Kegelmeyer. (1997). "Beyond job attitudes: A personality and social psychology perspective on the causes of organizational citizenship behavior". *Human Performance*. 10(2). 111-131.
- Poarch, G. J. & E. Bialysok. (2015). "Bilingualism as a model for multitasking". *Developmental Review*. 35. 113-124.



- Savignon, S. J. (2002). "Communicative language teaching: Linguistic theory and classroom practice". In S. J. Savignon (ed). *Interpreting communicative language teaching*. New Haven, CT: Yale University Press. 91-111.
- Schlinger, H. D. (2009). "Theory of mind: An overview and behavioral perspective". *The Psychological Record*. 59(3). 435-448.
- Su-Ching, L. (2009). "Gender and Major differences in self-estimates of different aspects of Gardner's multiple intelligences: A study of the undergraduate pre-service teachers in Taiwan". *Asian Social Science*. 5(5). 3-14.
- Tarrant, M., R. Calitri & D. Weston (2012). "Social identification structures the effects of perspective taking". *Psychological Science*. 23(9). 973-978.
- Trad, P. (1986). "Correlates of Empathy to Depressive Phenomena". *Infant Depression*. New York, NY.: 126-146.
- Valian, V. (2015). "Bilingualism and cognition". *Bilingualism: Language and Cognition*. 18(1). 3-24.
- Van der Graaff, J. et al. (2014). "Perspective taking and empathic concern in adolescence: Gender differences in developmental changes". *Developmental Psychology*. 50(3). 881-888.